

جنگل حرا و درخت پنبه در جزایر خلیج فارس

یلینی پدر در تألیف بلند آوازه خود «تاریخ طبیعی» در کتاب دوازدهم این اثر که به «درختان و فرآورده هایشان» اختصاص دارد زیر عنوان «درختان ایران: درخت پنبه» می‌گوید:^۱

۳۷- ایران [Persia] مجاور سرزمین اقوامی است که ذکر شدند. در کرانه‌های دریای سرخ در مکانی که آنرا خلیج فارس [Persian gulf]^۲ نامیده‌ام همان نقطه‌ای که جزر و مد تا عمق ساحل رخنه می‌کند طبیعت درختان چشمگیر است. در هنگام جزر که آب پایین است ساحل را پوشانده و ریشه‌های برهنه‌شان همانند هشت پا زمین را در آغوش گرفته‌اند. آب دریا روی پوست آنان اثر گذاشته چون ساقه‌های درختانی می‌مانند که آب به ساحل انداخته. این درختان، آنگاه که مد موج آب دریا بر آنها شلاق می‌زند سر جای خود با ثبات می‌ایستند. چون مد به حد اعلائی خود برسد آب آنان را فرا می‌گیرد و می‌پوشاند. شواهد موجود چنین می‌نماید که این درختان شوری آب دریا را می‌پسندند و از آن قوت می‌گیرند. اندازه آنان حیرت‌انگیز است. به درخت توت فرنگی [شاه توت؟] می‌مانند. ظاهر میوه آنان مانند بادام است و هسته‌ای بیخ خورده دارد.

1 - Natural History, Pliny the Elder, pages 171-2 Penguin classic, London, 1991.

^۲- برای رابطه اسم دریای سرخ با خلیج فارس نگاه کنید به مقاله «دریایر اسم باستانی خلیج فارس» شماره ۳۳-۳۴ و ۳۵ مجله بخارا.

۳۸- جزیره تیروس نیز در خلیج فارس است. ناحیه رو به دریای آن جزیره جنگل است. در اینجا هم هنگام مد آب همه جا را فرا می‌گیرد. در مناطق مرتفع‌تر جزیره درختی است که میوه آن نوعی پشم [الیاف] است اما به شیوه‌ای سوای درختان چینی زیرا برگ‌های این درختان آنگونه پشم [= الیاف] ندارند^۱. اگر کوچکتر نبودند می‌شد تصور کرد برگ رزاند. این درختان میوه‌ای دارند به اندازه "به". آنگاه که برسند و بشکافند گلوله‌هایی از کرک دارند که از آن کتانی‌گرانبها برای لباس می‌بافند. [قوزه پنبه؟]

۳۹- مردم محل این درختان را درخت پنبه می‌نامند. در جزیره کوچکتر تیروس که ده میل از جزیره بزرگتر به همین نام فاصله دارد نیز رشد می‌کند. جویا می‌گوید این بوته قوزه‌ای دارد کرک مانند و پارچه‌ای که از آن به دست می‌آید به مراتب مرغوب‌تر از پارچه همانند هندی است.

یلینی چند صفحه بعد در کتاب سیزدهم همین تألیف زیر عنوان عطر آورده است:
عطر [گلاب] را علامت و نشان ایرانیان باید دانست. زیرا در آن غوطه می‌خورند تا بوی نامطبوع ناشی از چرک را کیفیت‌های بسیار عالی آن خنثی کند. نخستین جعبه عطری را که توانستام سراغ بگیرم و پیداکنم جعبه عطر متعلق به داربوش بود که هنگام غارت اردوی او به دست اسکندر به غنیمت و یغما برده شد. بعد از آن بود که مردم ما به لذت استفاده از عطر به عنوان یکی از عالی‌ترین و مطبوع‌ترین چیزها پی بردند. بعدها هم مرسوم شد از آن برای ادای احترام به ارواح درگذشتگان استفاده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی